

به نام خدا

سرگذشت هایی عبرت آموز
از عواقب دوستی های
خیابانی (ج ۲)

مؤلف:

حجت الاسلام ایمان رنجبر

انتشارات ارسطو (چاپ و نشر ایران)

نوبت نشر: اول/۱۳۹۹

فهرست

- مقدمه..... ۴
- (۱)- شب مرا در کارگاه زندانی کرد..... ۱۲
- (۲)- مرا از ماشین پرت کرده اند..... ۱۷
- (۳)- قتل خانواده..... ۲۶
- (۴)- قتل دختر دانشجو..... ۴۰
- (۵)- سرانجام سوار اتومبیل یک مرد شدم..... ۴۲
- (۶)- به خاطر دوست پسرم دست به سرقت زدم..... ۵۱
- نکته..... ۶۲
- (۷)- کارم یکسره گریه بود..... ۶۷
- (۸)- افسوس می خورم که چرا با این مرد آشنا شدم..... ۷۰
- (۹)- چند باری مرا در اُتاق حبس کرد..... ۷۴
- (۱۰)- در خانه احسان مزه فقر و گرسنگی را چشیدم..... ۸۲
- (۱۱)- از هم پاشیده شدن خانواده..... ۹۲
- (۱۲)- کشته شدن مرد توسط همسرش..... ۹۶

- نکته.....۱۰۴
- ۱۳)- دوستی با دختران یکی از کارهای اوست.....۱۰۷
- ۱۴)- من تنها ماندم و سوختم و ساختم.....۱۱۰
- ۱۵)- چند عکس بدون حجاب از من گرفت.....۱۱۶
- ۱۶)- علی تو را پنج هزار تومان به من فروخت.....۱۲۱
- ۱۷)- مرا با زن دیگری به خیابان فرستاد.....۱۲۶
- ۱۸)- سرنوشت شومی را برای خودم رقم زدم.....۱۲۹
- ۱۹)- باید تاوان دوستی نامشروعم را بدهم.....۱۳۵
- نکته.....۱۴۰
- هشدار.....۱۴۲
- منابع.....۱۵۰

مقدمه

این کتاب، مجموعه ای از داستان های پند آموزیاز عواقب دوستی های نامشروع بین زنان و مردان است.

- متأسفانه - دوستی های خیابانی در این روزها به معطل اجتماعی تبدیل شده. به حدّی که بررسی پرونده های جنایی نشان دهنده از این واقعیت است که برخی از جرائم از قبیل: قتل،

آدم ربایی، اخاذی^۱ و تجاوز به عُنْف، در پوشش این روابط پنهانی صورت می گیرد. با نگاهی به صفحه حوادث روزنامه ها، پایان تلخ این دوستی ها را مشاهده می کنیم. روابطی که در ابتدا به بهانه آشنایی با یکدیگر برای ازدواج و دوستی آغاز می شود، اما در پایان، خاطره ای تلخ را برای یکی از طرفین که البته اغلب آنان دختران هستند، برجای می گذارد.^۲

شمار قربانیان تعرّضات جنسی از اموری نیست که بتوان به سادگی از کنار آن عبور کرد.

۱. پسری از دوست دخترش خواسته بود که کلیه ات را بفروش و پول آن را به من بده تا فیلمت را در اینترنت منتشر نکنم. «www.irna.ir»

۲. همان

آمار تکان دهنده سال ۱۳۸۵ بیان کننده از آن است که ۴۰ درصد از پرونده های تجاوزات جنسی علیه زنان و دختران، به خاطر دوستی های خیابانی و روابط پنهانی اتفاق افتاده است که بیشتر آن ها به بهانه شناخت قبل از ازدواج صورت گرفته است.

- برخی از - مجرمان این پرونده ها هیچ ردپایی از خود برجای نمی گذارند و تمامی مشخصات آن ها، ساختگی و جعلی است.

این دسته از شکارچیان اطمینان دارند که دختران به خاطر ترس از آبرو ریزی، کمتر به سوی پلیس کشانده می شوند که همین مسأله باعث می شود آن ها هم چنان به کار خود ادامه می دهند.^۱

rezabaseri123.blogfa.com.۱

امید است که این داستان‌ها وسیله‌ای شوند برای توبه کردن اشخاصی که به چنین عمل قبیحی گرفتارند. و نیز درس عبرتی برای افراد غیر مبتلا باشد.

از اهداف کتاب پیش رو این است که خوانندگان محترم با مطالعه‌ی آن، به قسمتی از زیبایی‌های دین زیبای اسلام پی ببرند. و یقین و باور کنند که دستورات الهی که در قالب دین بیان شده، برای هدایت و سعادت آن‌هاست، نه در تنگنا قرار دادنشان. و استفاده از مطالب و داستان‌های سایت‌ها و کتب مختلف، این زیبایی را بیشتر برای ما جلوه‌گر می‌کند؛ به خاطر آن‌که، بیان برخی آسیب‌ها و مضرات دوستی‌های خیابانی و نامشروع توسط سایت‌ها و کتاب‌ها که بر اثر اتفاقات صورت گرفته به

دست آمده، تأیید دستورات الهی در این باره است. چون که در واقع، اسلام به خاطر وجود مفسد زیاد این دوستی ها - قبل کشف این آسیب ها- دستور به ترک آن داده است.

امام محمد باقر (علیه السلام) درباره آیه ۱۵۱ سوره أنعام: «به کارهای زشت، چه آشکار و چه پنهان، نزدیک نشوید.»، فرمودند: «منظور از زشتی آشکار، زناست. و نیز منظور از زشتی پنهان، داشتن رابطه ی دوستانه - با نامحرم -

است.^۱»^۲

مربی انسانیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «بین زنان و مردان جدایی افکنید - تا با هم تماس و برخوردی نداشته باشند -؛ زیرا زمانی که آن ها رو در روی یکدیگر قرار گیرند و با هم رفت و آمد داشته باشند، جامعه به دردی مبتلا می شود که درمان نخواهد

۱. جمله: «ما ظَهَرَ و ما بَطَّنَ»، هر گونه گناه زشت آشکار و پنهان را شامل می شود. و حدیث یاد شده، فقط برخی از مصادیق را بیان فرموده است. «تفسیر نمونه: ۳۵/۶»

۲. الإمامُ الباقِرُ (علیه السلام) - فی قوله تعالى: «لا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ ما ظَهَرَ مِنْهَا و ما بَطَّنَ...» - إِنَّ ما ظَهَرَ هُوَ الزَّنا و ما بَطَّنَ هُوَ الْمُخالَّةُ. «میزان الحکمه: ۲۷۳/۴-۲۷۴»

شد.»^۱

در حدیثی دیگر فرمودند: «کسی که با زنان نشست و برخاست داشته باشد، به ناچار گرفتار زنا خواهد شد.»^۲

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز فرمودند: «با زنان نامحرم زیاد خلوت نکن؛ زیرا این کار باعث دلگیری هر دو نفرتان می شود.»^۳

ثواب ناچیز این کتاب هدیه می شود به ارواح مطهر و مقدس پیامبران، ائمه معصومین، و

۱. قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): «باعدوا بين أنفاس الرجال والنساء فإنه إذا كانت المعاينة واللقاء كان الداء الذي لا دواء له.» «پاسخ به پرسش های جوانان: ۲۰۴/۱»

۲. عنه (صلى الله عليه و آله و سلم): «... من جالس النساء فلا بد له

من الزنا...» «ارشاد القلوب إلى الصواب ديلمی ص ۲۷۱»

۳. قال اميرالمؤمنين (عليه السلام): «لا تكثرن الخلوّة بالنساء

فيملنك و تملهن...» «میزان الحکمه: ۴۷۰/۱۰»

آخرین منجی الهی حضرت مهدی (علیهم السلام)،
همه ی مؤمنین و مؤمنات خصوصاً پدر
مرحوم.

استان فارس، شهرستان کازرون ۱۳۹۹/۶/۲۱

(۱) - شب مرا در کارگاه زندانی کرد.

مأموران کلانتری ۱۶۱ ابوذر با مراجعه مردی در جریان ناپدید شدن دختر ۱۴ ساله ای به نام سهیلا قرار گرفتند.

مأموران در این مرحله پی بردند که دختر نوجوان دو روز قبل برای خرید از خانه خارج شده و دیگر بازنگشته است و در این مدت نیز پدر وی به بیمارستان ها و بهزیستی سرکشی کرده است. ماجرای مرموزی پیش روی مأموران قرار گرفته بود که بازپرس دستور داد تا تیمی از مأموران پلیس آگاهی برای رازگشایی این ماجرا وارد عمل شوند.

کارآگاهان در تحقیقات ابتدایی پی بردند که روز جمعه، دختر نوجوان همراه پدر بزرگ و مادر بزرگش به پارک رفته و از همان شب، سهیلا با پسر جوانی به صورت تلفنی در تماس بوده است. همین سرنخ کافی بود تا مأموران با اقدامات فنی، به سراغ پسر جوان که احسان نام دارد، بروند و وی زمانی که با مأموران روبرو شد، ادعای عجیبی کرد.

احسان گفت: عصر جمعه همراه ۵ تن از دوستانم در پارک بودیم که با دختر نوجوانی که به نزدیکی ما آمده بود، آشنا شدم و همان شب با من تماس گرفت و ادعا کرد که می خواهد به خانه عمه اش در تجریش برود و خواست تا همراهش باشم، که من نیز سوار بر مترو او را تا مترو تجریش همراهی کردم و سپس به خانه

باز گشتم.

تجسس ها برای ردیابی دختر جوان ادامه داشت تا اینکه مأموران گشت کلانتری ولنجک در حال گشت زنی بودند که در برابر دختر نوجوانی قرار گرفتند که در تحقیقات ابتدایی، این دختر که خود را سهیلا معرفی کرده بود، گفت: چندی پیش برای اعتراض از خانه مان فرار کردم و مأموران زمانی که قصد داشتند او را در اختیار بهزیستی قرار دهند، مشخص شد که این دختر همان نوجوان گمشده است.

سهیلا به مأموران گفت: پدرم، شیشه ای است و روز فرار از من خواست تا برای تأمین هزینه اعتیادش، جلوی دوستانش که داخل خانه برای کشیدن مواد جمع شده بودند، برقصم که از خانه فرار کردم.

این ادعاها در حالی بود که مادر سهیلا با مراجعه به پلیس عنوان کرد که پدر سهیلا شیشه‌ای نیست و دخترش از سوی چند جوان ربوده شده است.

سهیلا بار دیگر هدف تحقیق قرار گرفت و پرده از تلخ‌ترین صفحه زندگی‌اش برداشت و گفت: روز جمعه همراه خانواده ام در پارک بودم که با پسر جوانی به نام احسان آشنا شدم.

من هیچ تماسی با او نگرفتم، اما فردای آن روز پسر جوان با من تماس گرفت و خواست تا در محل قرار حاضر شوم.

وقتی با او روبرو شدم، وی مرا با تهدید سوار بر خودرویی کرد و شب مرا در کارگاه زندانی کرد و فردای آن روز مرا به باغی بردند و سگی را در یک قدمی ام بستند تا نتوانم فرار کنم.

سهیلا گفت: ۵ جوان در آن باغ حضور داشتند که ۲ تن از آن‌ها مرا مورد آزار و اذیت قرار دادند که در آخر، مرد افغان که باغبان باغ بود، مرا نجات داد.

بنا به این گزارش، بازپرس با توجه به فراری بودن متهمان، دستورات ویژه را برای دستگیری آن‌ها صادر کرد و تحقیقات برای بازداشت آن‌ها ادامه دارد.^۱

۲)- مرا از خودرو پرت کرده اند.

سپیده دم مأموران اورژانس پیکر خون آلود دختر ۱۶ ساله ای را که کنار گاردریل خیابان آزادی ۱۳۱ افتاده بود، به بیمارستان طالقانی مشهد انتقال دادند.

این دختر که هنوز هوشیاری کامل خود را از دست نداده بود، آهسته و بی رمق به مأموران گفت: مرا از خودرو پرت کرده اند!

چندین ساعت بعد، کارکنان مرکز درمانی که موفق شده بودند شماره تلفن مادر دختر نوجوان را به دست آورند، با او تماس گرفتند و بدین ترتیب، هویت این دختر درحالی فاش شد که او

یک هفته بعد بر اثر عوارض و جراحات ناشی از این حادثه خون آلود، جان سپرد. گزارش اختصاصی خراسان، حاکی است: با اعلام شکایت مادر دختر مذکور و به دستور سرهنگ کارآگاه حمید رزمخواه رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی، گروه زبده ای از کارآگاهان اداره جنایی با نظارت مستقیم سرهنگ محمد رضا غلامی ثانی رئیس اداره جنایی، مأمور رسیدگی به این پرونده مرگبار شدند. مادر این دختر که تبعه خارجی است و پس از مرگ همسرش، با کارگری در بیرون از منزل، مخارج و هزینه های فرزندانش را تأمین می کند، در اظهارات خود به کارآگاه جمالی افسر پرونده گفت: دخترم از مدت ها قبل با زن مطلقه ای رابطه دوستی دارد. آن روز هم حدود ساعت یک

بامداد، همان زن مطلقه، او را با وجود مخالفت های من و به بهانه تفریح و گردش شبانه، با خودش بیرون برد و گفت، دخترم شب را نیز نزد او می ماند و صبح روز بعد به خانه بازمی گردد! من که از این موضوع خیالم راحت بود، صبح سر کارم رفتم تا این که بعد از ظهر از بیمارستان با من تماس گرفتند و از بستری بودن دخترم در مرکز درمانی خبر دادند.

بنابر این گزارش، با اظهارات مادر، پرونده مذکور وارد مرحله جدیدی شد و کارآگاهان دامنه تحقیقات خود را با شناسایی زن مطلقه گسترش دادند.

این زن ۲۵ ساله که مدعی بود هم اکنون در عقد موقت پسر جوانی است، ابتدا با داستان سرایی قصد داشت خود را بی اطلاع از ماجرا نشان دهد.

او به افسر پرونده گفت: من و آن دختر تا ساعت ۴ بامداد با هم بودیم، ولی بعد از آن، به خانه خودشان رفت و من دیگر از او اطلاعی نداشتم! گزارش خراسان حاکی است: در حالی که اظهارات ضد و نقیض زن جوان نمی توانست کارآگاهان را قانع کند، بررسی های پلیسی در این باره ادامه یافت تا این که زن ۲۵ ساله به ناچار حقیقت ماجرا را فاش کرد.

او گفت: آن شب دختر شانزده ساله با من تماس گرفت و به شدت ابراز ناراحتی کرد. آن دختر مدعی بود پسری را که از مدتی قبل با او دوست بود، با دختر دیگری مشاهده کرده است و نمی تواند این خیانت را تحمل کند.

زن جوان ادامه داد: من هم که دیدم حال او خوب نیست و از این موضوع بسیار ناراحت است،